



جز این که شخصیت ادبی و فرهنگی خود را زیر سؤال ببرند، نتیجه چیزی دیگری نخواهد داشت. این به مانند لقب گرفتن از کثیف ترین موجود دنیا و افتخار نمودن به آن است که پذیرش آن بر هر انسانی مایه ننگ می باشد، اما این دو خانم روی هر علتی که بود آن را پذیرفتند، قبول کردند و خود را مفتخر به آن ساختند و تا آخر عمر لکه سیاه و ننگین "طالبی هاشمیان" را بر پیشانی هر نوشته خود داشته و خواهند داشت، مثل (سیستانی) که لقب کانديد اکادميسن کميته مرکزی "ح د خ" را مثل طوق لعنت بر گردن خود حمل می کند.

قبول نمودن این لقب (استاد ادب دری) از طرف این دو خانم با وجود آن همه نوشته ها که ماهیت این جاسوس خرفیلسوف هاشمیان را افشاء می ساخت و ادارم ساخت تا در باره این دو خانم کمی تفکر و تحقیق کنم که اینها از کدام قماش اند و چرا تن به همچو خفتی داده اند؟

بالاخره یکی از آنها را در یک سایت بد نام، سیاه، زنا زاده تاریخ، منفور ترین چهره تاریخ یعنی سایت (اصالت) مربوط ببرک کارمل پیدا نمودم.

این خانم همان پوهندوی "شیمایان غفوری" است

این خانم سالها است که با شوهرش "نور محمد غفوری" با این سایت همکاری داشته و نوشته های زیادی از هر دوی آنها با دیگر پرچمی های بد نام و شناخته شده خاین به مردم، جنایت پیشه و کاسه لیسان روسی موجود است. بعد از دیدن نام "شیمایان غفوری" و خواندن یکی دو نوشته شان متقین شدم که همین "شیمایان" جان است که از طرف خرفیلسوف "هاشمیان" ملقب به استاد ادب گردیده است.

خوب اکنون جای تعجب نخواهد بود بر این که چرا "هاشمیان" خصیه مال ملا "عمر"، "قیس صغیر" و در مجموع گردانندگان (جرمن آنلاین) سعی و عجله داشته اند که حتماً "شیمایان غفوری" (چه مستحق و واجد شرایط دریافت لقب استاد دری باشد و یا خیر) کانديد و منتسب و این لقب "هاشمیان" نصیبش شده و بر افتخاراتش افزوده گردد. فکر نمی کنم لازم باشد از وطن فروشی، خیانت ها، ناموس فروشی، بد اخلاقی، خوشخدمتی های "ببرک" شرف باخته و باند مزدورش به روس ها یاد آوری کرد. تاریخ حکومت داری او و بقایای کثافت هایش به شمول خلقی ها یک دوره سیاه و تاریک در تاریخ کشور ما بوده که خون ده ها هزار انقلابی پر شور و فرزندان صدیق و راستین این مرزو بوم به نام (شعله نی) (سامانی) و ... و هزاران نفر از خلق های محروم و ستمکش که زیر یوغ اسارت و بردگی غلام های حلقه به گوش روس ها نرفتند و به مبارزات علنی و مخفی تا پای جان به پیش رفتند ریخته شده و سینه های جوانان این وطن آماج گلوله های این باند جنایتکار، وطنفروشان، زنا زادگان تاریخ قرار گرفته است، هزاران انسان بیگناه و مظلوم در قبر های دسته جمعی زنده زنده زیر خاک شدند، و به ده ها هزار انسان پاک و مبارز بهترین روز های جوانی شان را پشت میله های زندان مخوف این رژیم های سفاک و خون آشام گذشتانند، همه در سینه تاریخ ثبت است. امروز کثافت های فراری شان ادیب و شاعر، پوهندوی و اکادميسن بوده و در کنار خدمت به بقایای "ک جی ب" در خدمت "سی آی ای" قرار دارند و این یک وجه مشترک خرفیلسوف "هاشمیان" و استاد ادب دری انتخابی اش می باشد.

طالب به پرچمی لقب می دهد، پرچمی دیگری ان را در سائیتش نشر می کند و بقیه پرچمی ها و طالبان نکتائی پوش چک چک نموده و نغاره می زنند.

